۳. جلسه با مستبصرین (۱۳۹۲/۰۲/۲۶)

سال تحصیلی (۱۳۹۲-۱۳۹۱) - پنجشنبه، ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

- پیشگفتار (چکیده)
- خلاصه تفصیلی

پیشگفتار (چکیده)

استاد در این جلسه به ابتلائات و آزمایش‌های الهی در زندگی مؤمنان می‌پردازند و به این پرسش که چرا افراد با ایمان نیز دچار سختی می‌شوند، پاسخ می‌دهند. منشأ ابتلاها گاهی اوقات می‌تواند به گناهان پنهان یا اعمال ناخواسته فرد مرتبط باشد که خود شخص از آن بی‌خبر است. در چنین مواردی، استغفار و صدقه به عنوان راه‌حلی برای تطهیر و جبران گناه پیشنهاد می‌شود. در برخی دیگر از موارد، ابتلا به عنوان وسیله‌ای برای تکامل و ارتقاء معنوی فرد عمل می‌کند و به او امکان می‌دهد تا قدر نعمت‌های گذشته را بداند و اجر صبر کسب کند. در بخش دیگری از جلسه به مسئله اخلاص در اعمال می‌پردازند، به ویژه در کارهای علمی و ابراز دانش. تأکید می‌شود که انگیزه الهی باید در تمام کارها حاضر باشد و از وسوسه‌های نفسانی برای کسب شهرت یا جایگاه پرهیز شود، مگر اینکه کاری واقعاً نافع باشد و عدم انجام آن به ضرر دین تمام شود. در نهایت، به علم غیب امام پرداخته می‌شود و توضیح می‌دهند که علم آنان، علمی لدنی و الهام‌گرفته از خداوند است و نه از باب غلو، بلکه نشانه‌ای از مقام و فضیلت آنان است.

خلاصه تفصیلی

سه محور اصلی مورد بحث قرار گرفته است: چگونگی مواجهه با ابتلائات و سختی‌ها، اهمیت اخلاص در اعمال و پرهیز از خودمحوری، و ماهیت علم غیب ائمه و ارتباط آن با کتاب الهی.

۱. مواجهه با ابتلائات و سختی‌ها

فرد در مواجهه با ابتلائات بزرگ، گاهی دچار این حس می‌شود که ایمان خود را از دست داده است، حتی با وجود این‌که اهل نماز و قرآن است . این وضعیت دشوار، فرد را به پرسش وامی‌دارد که چرا این بلا بر او نازل شده، در حالی که برخی دیگر که کمتر مقید هستند، دچار چنین سختی‌هایی نمی‌شوند .

دو رویکرد برای درک ابتلاء مطرح می‌شود:

- **مرور سابقه کارها و استناد به اعمال خود :**
  - گاهی اوقات، فرد با مرور اعمال گذشته خود، متوجه می‌شود که کارهایی انجام داده که زمینه این ابتلاء را فراهم آورده است، چه استناد مستقیم و واضحی داشته باشد و چه به صورت الهام قلبی و درونی این ارتباط را حس کند .
  - برخی کارهای به ظاهر ساده ممکن است در نزد خداوند عظیم باشند، مانند کلامی که به آسانی بر زبان می‌آید اما در شنونده اثری عمیق و آزاردهنده دارد .
  - راهکار: مداومت بر استغفار :
  - اگر ابتلاء ناشی از گناه باشد، بهترین راه استغفار است .
    - خداوند از طریق بلا، مؤمن را تطهیر می‌کند و زمینه تکامل او را فراهم می‌آورد .
    - ابتلاء موجب می‌شود فرد نعمت‌های گذشته را به یاد آورد و شکر کند . همچنین صبر بر بلا، اجر دارد و استغفار گناهان را محو می‌کند و موجب ارتقای بنده می‌شود .
- **حسن ظن به خداوند در صورت عدم یافتن استناد به گناه :**

در مواقعی که مؤمن هرچه کارهای خود را مرور می‌کند، ارتباطی بین عمل و ابتلاء پیدا نمی‌کند و ذهنش به سببی نمی‌رسد، باید چه کند؟

  - رسم بندگی: ابتدا باید تواضع کرده و بگوید «من تقصیرکارم»، حتی اگر ذهنش به گناه خاصی نرسد و استغفار کند .
  - نکته مهم: حسن ظن به خداوند :
    - خداوندی که بنده را آفریده، ظرفیت او را بهتر از خودش می‌داند .
    - آنچه از نظر بنده شکست به نظر می‌رسد، نزد خداوند مقدمه‌ای برای رسیدن به مراتب بالاتر و فهم بیشتر است .
    - سختی‌ها و ابتلائات در این دنیا گذرا هستند . وقتی فرد از این مراحل عبور کند و نتایج و آثار معنوی آن‌ها را درک کند، هرگز نمی‌گوید که ای کاش این بلاها برایم پیش نمی‌آمد . بلکه روایت است که آرزو می‌کند

کاش به دنیا بازگردد و چندین برابر مبتلا شود تا به آن پاداش‌ها برسد .

- حلاوت دنیا، مرارت آخرت و مرارت دنیا، حلاوت آخرت است : روزهای خوش دنیا باید یادآور احتمال سختی در آخرت باشد، و تلخی‌ها و ابتلائات دنیا، نشانه‌ی سرور و رضایت در آخرت است .

۲. اخلاص در اعمال و پرهیز از خودمحوری

فرد ممکن است در مورد ابزار کارهای نیکو و علمی خود دچار تردید شود؛ از یک سو روایات بر پنهان کردن حسنات تأکید دارند تا ثواب آنها کم نشود، و از سوی دیگر، پنهان کردن برخی کارها مانند تألیف کتاب یا مهارت‌های خاص، ممکن است باعث مندرس شدن آنها یا محرومیت دیگران از منفعتشان شود . همچنین فرد ممکن است از اخلاص صددرصد خود مطمئن نباشد .

راه‌کارهایی برای اخلاص و ابزار اعمال:

- **مرحله اول: تفحص و اولویت‌بندی :**
  - پیش از ابزار یک کار علمی یا خدمتی، تحقیق کند که آیا علمای پیشین در این زمینه کاری انجام داده‌اند یا نه .
  - اگر کار مشابهی توسط علمای گذشته انجام شده اما منتشر نشده یا مندرس شده، اولویت با احیای کار آنان است. این عمل از نشانه‌های اخلاص است .
  - آیت‌الله بهجت (ره) نیز بر این نکته تأکید داشتند که ابتدا باید به کارهای منتشرنشده علمای پیشین پرداخت .
- **مرحله دوم: ابزار کار مفید و پرهیز از وسوسه :**
  - اگر کار جدید و نافعی است که نظیرش وجود ندارد و مورد نیاز است، اصل بر ابزار آن است .
  - امتناع از ابزار عمل به بهانه عدم اخلاص صددرصد، خود یکی از مکائد شیطان است که توفیق را از انسان می‌گیرد . باید این وسوسه‌ها را کنار گذاشت و وارد عمل شد .
  - تمیزی انگیزه:
    - اگر انگیزه اصلی انجام کار، غیرخدایی (مانند طلب ستایش دیگران) باشد، باید ترک شود .
    - اما اگر فرد برای خدا کاری انجام دهد و میدانند که آثار جانبی آن (مانند تمجید دیگران) پیش خواهد آمد و از آن خوشش می‌آید، این مانعی ندارد . خداوند نیز بندگانش را ستایش می‌کند و این انگیزه برای عمل نیک مجاز است .
  - استثناء : اگر ابزار عمل باعث قرار گرفتن فرد در منصب ناحق شود (مانند مرجع تقلید شدن بدون اجتهاد)، اخلاص در این است که از آن عمل اجتناب کند .
  - در نهایت، هر جا کاری نافع از فرد برمی‌آید، باید با نیت اصلی قلبی و با همان اخلاصی که در خود می‌بیند انجام دهد و به وسوسه‌ها اعتنا نکند .

پرهیز از خودمحوری (قطب نباشد) :

- شخص نباید خود را قطب ای برتر از دیگران بداند .

- اگر در موقعیتی، فرد به صورت تکوینی و طبیعی محور قرار می‌گیرد (مثلاً توانایی‌ای دارد که دیگران ندارند)، باید وظیفه‌اش را انجام دهد، اما انگیزه‌اش نباید محوریت باشد .
- نشانه‌ی عجب و خودمحوری آن است که اگر فرد دیگری بتواند کاری را بهتر انجام دهد، فرد خودمحور ناراحت می‌شود . اما کسی که واقعاً بی‌عجب است، با راحتی خاطر اجازه می‌دهد دیگری کار را انجام دهد و از کنار رفتن از محوریت احساس ناراحتی نمی‌کند .

حفظ اخلاص در طلاب :

- طلاب در دوران تحصیل باید به حدی در تزکیه، تقوا و اخلاص پیشرفت کنند که سه برابر نیاز خود ذخیره داشته باشند .
- زیرا وقتی وارد جامعه می‌شوند و مردم به آن‌ها محبت و ارادت پیدا می‌کنند، دو سوم آن‌چه ذخیره کرده‌اند از دست می‌رود و این محبت می‌تواند مانع اخلاص شود .
- نصیحت آیت‌الله بهاءالدینی (ره): طلبه نباید برای خدمت به دین درس بخواند، بلکه باید برای خدا درس بخواند . اگر خداوند صلاح بداند، از علم او برای خدمت به دینش استفاده خواهد کرد . این رویکرد از رقابت‌جویی جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود فرد با دیدن توانایی بردار خود، خادم او شود .
- اما اگر فرد ببیند که ترک صحنه توسط او باعث صدمه به امور متدینین می‌شود و لیاقت انجام کاری را دارد، می‌تواند با قصد اخلاص و برای رضای خدا وارد آن منصب یا کار شود .

۳. علم غیب ائمه و ماهیت کتب الهی

چگونگی علم غیب ائمه (علیهم السلام) :

- ائمّه (علیهم السلام) غیب را می‌دانند، اما علم آن‌ها یک نوع نیست و بستگی به "معلوم" (چیزی که دانسته می‌شود) دارد .
- هر معلومی نیازمند یک وسیله منا‌سب برای ادراک خود است . مثلاً صوت با گوش شنیده می‌شود، نه با چشم . گرما و سرما با لمس درک می‌شود، نه با نگاه .
- معصومین (علیهم السلام) به دلیل مقاماتی که خداوند به ارواح مطهر و مقدسشان داده است، شئونات عالم را متناسب با همان شئون درک می‌کنند . آن‌ها آلات و مشاعری برای درک دارند که برای انسان‌های عادی درکش سخت است (مانند سمع غیبی برای اصوات غیبی و بصر غیبی برای مبصرات غیبی‌ه) .
- برخی حیوانات نیز دارای قوای درکی فراتر از انسان‌ها هستند (مانند شنیدن فرکانس‌های صوتی زلزله که انسان قادر به شنیدن آن‌ها نیست) . این نشان می‌دهد که خداوند در خلقت خود، ابزار درک متنوعی قرار داده است .
- بنابراین، علم غیب ائمه (علیهم السلام) از طریق قوایی متناسب با هر شأن از غیب است که خداوند به آن‌ها عطا کرده است . این علوم «من الله» و «باذن الله» (از جانب خدا و با اذن خدا) است .

نقد دیدگاه‌های مخالف علم غیب ائمه :

- برخی (مانند مفتی سعودی، بن باز) معتقدند که اعتقاد به علم غیب پیامبر (ص) یا ائمه (ع) کفر، شرک و ارتداد از اسلام است . استدلال آن‌ها به آیه «قُل لا یَعلَمُ مَن فی السَّمواتِ وَالأَرضِ الغَیبَ إلّا اللّهُ» است .

- این استدلال ناتمام است، زیرا آیات دیگری نیز وجود دارد که آن را توضیح می‌دهد، مانند «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ».
- این آیه نشان می‌دهد که خداوند علم غیب خود را به رسولان برگزیده‌اش عطا می‌کند .
- دانش پیامبران و امامان (ع) وحیانی و تعلیم شده از جانب خداوند است، نه ذاتی . مثال: حضرت خضر که «عَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا»، و آصف بن برخیا که «عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ» (دانشی از کتاب) داشت . ائمه (ع) نیز «عِلْمُ الْكِتَابِ» (تمام دانش کتاب) را دارند .
- اعتقاد به اینکه خداوند این علوم را به بندگان خاص خود عطا کرده، قوی‌تر کننده توحید است، نه شرک .

پرهیز از غلو (اغراق) و تقصیر (کوتاهی) در اعتقادات :

- غلو: بالا بردن فرد از جایگاه واقعی‌اش و نسبت دادن صفات الهی به او (مانند خدا دانستن امام) . این کار ناپسند و قبیح است و اهل بیت (ع) نیز آن را مورد نکوهش قرار داده‌اند . غالی‌ها در برخی روایات شرتر از ناصبی‌ها معرفی شده‌اند .
- تقصیر: پایین آوردن جایگاه واقعی فرد .
- باید منصفانه و دقیق حقایق را درک کرد؛ نه چیزی را بالاتر برد و نه پایین آورد .
- اگر فردی احساس کند که اعتقاد به مقام خاصی برای امام، او را به سمت خدا دانستن امام سوق می‌دهد، باید از آن پرهیز کند و در اعتقادات خود احتیاط کند .
- ائمّه (علیهم السلام) عبدالله هستند و هر آنچه دارند «باذن الله» و «من الله» است، به عنوان جلوه‌های اسماء و صفات الهی .
- داستان حضرت خضر (علیه السلام) در قرآن، که اعمال خود را ابتدا با «فَأَرَدتُّ» (من اراده کردم) و «فَخَشِينَا» (ما ترسیدیم) بیان می‌کند، اما در پایان همه را به «فَأَرَادَ رَبُّكَ» (پروردگارت اراده کرد) بازمی‌گرداند، نمونه‌ای از این است که همه اراده‌ها و قدرت‌ها نهایتاً از خداوند متعال است .
- توسل به معصومین (علیهم السلام) به معنای مستقل دیدن آنها در مقابل خدا نیست، بلکه به عنوان کسانی است که خداوند به آنها لطف کرده و آنها وسیله‌های برای تقرب به خداوند هستند .

ماهیت کتاب اعمال و کتاب وجود انسان :

- نامه اعمال انسان در روز قیامت «منشور» خواهد شد . این کتاب لزوماً شبیه کتاب‌های دنیایی نیست .
- واژگانی مانند «سطر»، «مرقوم»، «قلم»، «دوات (مرکبدان)»، «لوح»، «صحیفه» و «سجل» در آیات و روایات، شباهت‌هایی به ثبت و نگارش در دنیا دارند .
- «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» در قرآن، «نون» می‌تواند به معنای «دوات» یا «مرکبدان» باشد .
- وجود هر بنده به منزله یک کتاب است که اعمال اختیاری او به وسیله «قلم» (اختیار) و «دوات» (ماده خام وجود) بر آن نقش می‌بندد .
- قرآن کریم «تدوین سراپای تکوین» است :
  - قرآن کریم شامل «خبر السماء و الارض و ما فی الجنة و النار و کل شیء» (خبر آسمان‌ها و زمین و آنچه در بهشت و جهنم است و همه چیز) است .
  - ائمّه (علیهم السلام) علم خود به غیب را از «کتاب الله» (قرآن) می‌دانند .
  - این بدان معناست که قرآن تدوین تمام عالم تکوین است .
  - بنابراین، شناخت قرآن و کیفیت خواندن آن، کلید درک تمام حقایق عالم است .
  - مثلاً امام باقر (ع) فرمودند: «علم کل شیء فی عین سین قاف» (همه چیز در عین و سین و قاف است) . این نشان می‌دهد که حتی فرمول‌های بسیار کوتاه نیز می‌توانند شامل دانش‌های عظیم باشند .

- کلمات تکوینی الهی (که هر آنچه در عالم رخ می‌دهد) دارای معادل تدوینی در کتاب الهی هستند، و خداوند رسل و ملائکه خود را بر این کتاب تدوین آگاه می‌سازد .